

خبر

دستگیری قاچاقچی فیلم‌های «ابد و یک روز» و «فروشنده»

بخش فرهنگی – عامل قاچاق و توزیع فیلم‌های سینمایی «ابد و یک روز» و «فروشنده» پس از وصول گزارشات، دستگیر و به مقامات قضایی تحویل داده شد. به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، متهم که سابقه کیفری دارد، فیلم‌های «ابد و یک روز» و «فروشنده» را برای عرضه در فروشگاه‌های اصفهان تکثیر کرده است.

در پی این اقدام بیش از ده هزار لوح فشرده فیلم و انیمیشن غیرمجاز نیز از فروشگاه‌های استان اصفهان جمع‌آوری شده است. شناسایی و دستگیری متهم با هماهنگی حراست‌های سازمان سینمایی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، ستاد صیانت از محصولات فرهنگی و اقدام موثر نیروی انتظامی و مراجع قضایی صورت گرفته است.

سازمان سینمایی از مخاطبان سینما درخواست دارد موارد انتشار غیر قانونی فیلم های سینمایی را به ستاد صیانت از محصولات فرهنگی (مستقر در موسسه رسانه های تصویری) یا حراست سازمان سینمایی گزارش دهند.

.....

پوران فرخ‌زاد همچنان در کما

بخش فرهنگی – پوران فرخ‌زاد همچنان در کما و تحت

مراقبت‌های ویژه است.

به گزارش ایسنا، این نویسنده، شاعر و پژوهشگر که از چند روز پیش به کما رفته همچنان در بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) بیمارستان بستری است. خانواده فرخ‌زاد علت به اغما رفتن او را عارضه تنفسی عنوان کرده‌اند.

پوران فرخ‌زاد متولد بهمن‌ماه سال ۱۳۲۲ است و از جمله آثار او به «زن از کتیبه تا تاریخ» (دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان در دو جلد)، «اوهام سرخ شقایق» (گزیده‌ای از اشعار زنان جهان)، «نیمه‌های ناتمام؛ سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ»، «زن شبانه موعود» (نشان زن در آثار سهراب سپهری)، «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» درباره فروغ فرخ‌زاد، مجموعه شعر «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ»، «جنگه مشوش» (داستان‌های در پاییز»، مجموعه رباعی «بجگه مشوش»، داستان‌های بلند «در پس آینه» و «آتش و باد»، رمان «در انتهای آتش و آینه» و فرهنگ «کارنامی زنان کارای ایران از دیروز تا امروز» می‌توان اشاره کرد.

.....

برگزیدگان نهمین دوره جایزه جلال اعلام شدند

بخش فرهنگی – نهمین جایزه ادبی جلال آل احمد طی مراسمی در تالار وحدت برگزیدگان خود را معرفی کرد. به گزارش مهر، نهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد طی مراسم ویژه‌ای که هم اکنون در حال برگزاری است برگزیدگان خود را با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد

اسلامی در تالار وحدت معرفی کرد.

بر این اساس و با رای داوران در بخش ویژه ادبیات افغانستان دو اثر «خروسان باغ بابر» نوشته حسین فخری و « کابل جای آدم نیست» نوشته سیدعلی موسوی در بخش داستان کوتاه برگزیده اعلام شدند که جایزه ۱۰اسکه ای خود را دریافت کردند.

همچنین «چهارگرد فلاگتشم» نوشته محمد رهنورد زریاب و « گرگهای دوتدر» احمد ضیا سیامک هروی در بخش رمان به عنوان آثار برگزیده اعلام شدند.

.....

الناز شاکردوست و نوید محمدزاده در «خفگی» جیرانی

بخش فرهنگی – فیلمبرداری فیلم سینمایی «خفگی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فریدون جیرانی در نیمه راه قرار دارد. به گزارش ایسنا، فیلمنامه این فیلم را جیرانی خود به نگارش درآورده است که مضمونی اجتماعی دارد و الناز شاکردوست و نوید محمدزاده ایفای نقش‌های اصلی این فیلم هستند و در کنار این دو، پولاد کیمیایی، ماهایا پطروسیان و پردیس احمدیه نیز حضور دارند.

گروه «خفگی» این روزها در لوکیشنی واقع در شهرک غرب مشغول فیلمبرداری هستند و در تلاش هستند، فیلم را برای نمایش در جشنواره سی و پنجم فیلم فجر آماده کنند. هم‌زمان با فیلمبرداری، بهرام‌دقتهانی تدوین، حسین ابوالصدق صدانگازی و کارن همایون‌فر ساخت موسیقی «خفگی» را برعهده دارند. فهرست عوامل اصلی این فیلم عبارتند از: نویسنده و کارگردان: فریدون جیرانی، مجری طرح: الهام صفوی‌زاده، مدیرفیلمبرداری: مسعود سلامی، طراح چهره‌پردازی:ایمان امینپوری، طراح صحنه: محسن نصرالهی، طراح لباس: مارال جیرانی،تدوین: بهرام دقتهانی،صدابردار: داریوش صادقپور،صدانگاز: حسین ابوالصدق،موسیقی:کارن همایون‌فر،مدیرتولید: عبدالله شهباززاده،دستیار اول کارگردان و برنامه‌ریز:آلاله هاشمی،منشی‌صحنه: سیده دلیریان،عکاس: احمدرضا شجاعی،انتخاب‌بازیگران:احسان‌ظلی‌پور.

بازیگران: نوید محمدزاده،الناز شاکردوست،پردیس احمدیه،غلامحسین لطفی،احسان امانی،اسدالله یکتا با هنرمندی ماهایاپطروسیان و با حضور افتخاری پولاد کیمیایی. مدیر پروژه: حمید پنداشته و تهیه‌کننده: فریدون جیرانی.

{فرهنگ و هنر}

گفت و گو با عبدالجبار کاکایی درباره تاثیرات کودتای ۲۸ مرداد بر شعر فارسی:

سنگ محکی برای قابلیت های شعر نیمایی

اعلامی از بزرگان و اندیشمندان آن دوره فراهم کنیم، حدود ۹۰ درصدشان گرایش به حزب توده داشتند. همین کودتا گسل فرهنگی و اجتماع بزرگی را ایجاد کرد. البته تحرک اجتماعی در دوران رضاخان نیز رخ داد اما دغدغه بسیاری از روشنفکران آن زمان احیای فرهنگ ملی بود. شاعرانی مثل پروین اعتصامی، محمدتقی بهار و ایرج میرزا بیشتر از همه به دنبال مسئله ملی گرایی بودند، میرزاده عشقی می گوید:



خاکم به سر، ز غصه به سر خاک اگر کنم خاک وطن که رفت، چه خاکی به سر کنم؟

… آوٰخ، کلاه نیست وطن گر که از سرم برداشتند فکر کلاهی دگر کنم

در آن شرایط، کمتر به فکر آزادی های اجتماعی و سیاسی بودند مگر شاعری مثل فرخی یزدی که دنبال دغدغه های سیاسی و اجتماعی خاص خودش بود. با وجود این، شعر ما اگر در ماجرای کودتای ۲۸ مرداد شگفته شد و به تمامی زبان حال یک ملت شد، مدیون دوره تاریخی رضاخان و شاعران آن دوران و ساخته شدن مفهوم ملت و نماد آن، خانه بود.

■ **جدای از تثبیت شدن فرم، سمبولیسمی که نیما در اشعارش داشت، چقدر رنگ نو به خودش گرفت؟**

تمام کسانی که بعد از کودتا وفادار به نیما و شعر نیمایی ماندند، به سرودن شعر سمبلیک رو آوردند. گرچه شعر نیمایی از آغاز هم گرایش های سمبلیک داشت. تعبیری مثل شب، شعله، پروانه، جنگل، ستاره و… در آن زمان دارای رموز خاصی شدند. گسترده ترین حرکتی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد انجام شد، رواج شعر سمبلیک بود. سمبلیست ها اعتراض هایشان را با این کلمات در پرده نشان می دادند. گرچه ساواک هم کم کم به این اصطلاحات حساس شد و حتی شاعران غیرمشهور، برخی از ترانه سراها و خواندگانی را که از این کلمات استفاده می کردند، گرفتار کردند. البته، بماند که بعضی هم برای این که دچار چنین دردسرهایی نشوند، اصلا شعر فاخر و نمادین اجتماعی را کنار گذاشتند.

■ **عکس العمل مردم چه بود؟ در آن برهه به کدام نوع شعر گرایش بیشتری پیدا کردند؟**

مردم در ظاهر چیزی می خواهند و در ضمیر ناخودآگاهشان چیزی دیگر. آن ها درست مثل امروز، در زندگی واقعی به دنبال فیلمقارسی بودند و ادبیات و اثار سانتی مانتالیسم، اما در ضمیر ناخودآگاهشان به دنبال آثار فاخر، نشانه اش هم نیرویی بود که به وقوع انقلاب سال ۵۷ منجر شد. این انقلاب نشان داد که مردم در همان زمان هم دنبال ادبیات فاخر بودند اما ترس و دوری از ایجاد دردسر مانع از بروز چنین گرایشی می شد. در نتیجه آن را پنهان و انگار قدرتش را در ضمیر ناخودآگاهشان ذخیره می کردند.

مجموع اینها یعنی ادبیاتی که در حاشیه و کنار حرکت می کرده، بیشتر در دل جا داشته است. در انقلاب ۵۷ دیدیم که شبکه ذهن و زبانی همان شعر حاشیه که شعر سمبولیست های اجتماعی ایران یا شعر رئال جامعه آن روزگار بود، به ادبیات گفتاری مردم تبدیل می شود و تمام آن سانتی مانتالیسم و شیرین نوازی ها به حاشیه می رود. این اتفاق دقیقا امروز هم در حال رخ دادن است. شعر کم رمق اجتماعی ای در حال شکل گیری است که کسی به آن اهمیت نمی دهد و به جایش همه از «هوای دوتفره و همه چیز آرومه» حرف می زدند. کافی است یک اتفاق اجتماعی مهم رخ دهد تا همان شعر حاشیه، به جریان اصلی و حتی گفتار روزمره مردم تبدیل شود.

■ **چرا چنین اتفاقی می افتد؟ در ظاهر چیزی خواستن و در باطن چیز دیگری طلب کردن…**

ماجرا را با یک مثال توضیح می دهم. شربانخواه ها به میخانه می روند تا با شراب غم را فراموش کنند. آن سرسستی هم غم را برای مدتی کوتاه از یاد می برد. اما وقتی هوشیار می شوند و مستی از سرشان می پرد، می بینند که غم هنوز در جای خودش نشسته است. حتی اگر ادبیات رئال اجتماعی درست عرضه نشود و طرفداری هم نداشته باشد، همچنان اعتبار خودش را دارد و بالاخره روزی جای خودش را در جامعه پیدا می کند.

■ **اگر نیما بنای شعر نیمایی را نگذاشته بود، آیا شعر کلاسیک ما می توانست موثر عمل کند و تا این حد مسائل سیاسی و اجتماع را نشان دهد؟**

بله، می توانست. شعر دوران مشروطه اثبات کرد که قالب های شعری ادبیات کلاسیک می تواند به بهترین شکل مسائل اجتماعی و سیاسی را نشان بدهد. در دوران مشروطه معنای غزل تغییر کرد. ما همیشه غزل را در حوزه بیان احساسات شاعر تعریف کرده ایم. در دوره مشروطه غزل سیاسی داشتیم. حتی در دوران بعد از انقلاب هم بیشتر آثار مربوط به زمان جنگ در قالب غزل سروده شده اند. اما مواجهه قالب های کلاسیک با رویدادهای اجتماعی (اگر درگیر منطق کلاسیک باشند) چندان به روز نیست و مردم هم ارتباطی با آن برقرار نمی کنند. شعر نیمایی جریانی را در محتوا ایجاد کرد که مردم راحت تر توانستند آرزوها و امیالشان را در آن بیان کنند. وقتی اخوان می گفت:

نفس، کز گرمگاه سینه می آید برون، ابری شود تاریک

چو دیوار ایستد در پیش چشمانت

نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم

ز چشم دوستان دور بی نزدیک؟

هم زبان متعادل است (چون بار موسیقی شعر کهن را دارد) و هم با زبان امروزی مردم گره خورده است. به نظر من قالب های کلاسیک می توانند به موضوعات اجتماعی ورود کنند ولی شعر نیمایی خیلی واقعی تر و مردمی تر با حقایق رو به رو می شود.

■ **پس نباید انتظار داشت که در دهه ۳۰، دوباره به شعر کلاسیکی که در دوره مشروطه امتحانش را پس داده بود، برگردند؟**
خیر. شعرهای اخوان و شاملو و حتی چهارپاره هایی که نادرپور و فروغ کار می کردند، چنان فضا را برای شنیدن شعر نیمایی مستعد کرده بود که دیگر کسی به مجادله شعر کهنه و نو که بر انجمن های ادبی مسلط بود، فکر نمی کرد و اتفاق همان موقع ترانه فارسی جدیدی که متأثر از شعر نیمایی بود هم شکل گرفت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، شعر کلاسیک میدان را به شعر نو داد و خودش تبدیل به حاشیه شد.

تا دوران بعد از انقلاب که دوباره شعر کلاسیک خود متحول شده ای را ناشن داد. به قول محمدعلی بهمنی، غزل کلاسیک تبدیل شده است به «غزل نیمایی». فهم نیما از جهان فهم تکامل یافته ای برای ایرانی هاست. نیما نشانه ای بود برای فهم جدیدی که ایرانی ها از دوران مشروطه تا زندگی مدنی و آزادی فهمیده بودند. به قول شاملو، قرار نیست که آینده به گذشته بازد.

یک شنبه ۵ دی ماه ۱۳۹۵

خبر

پیامدهای پخش نسخه غیرقانونی «فروشنده»

پرده آخر: از خودمان شروع کنیم

مهرزاد دانش

خبر توزیع غیرقانونی نسخه بی کیفیت فیلم فروشنده با آرم «بازبینی وزارت ارشاد»، که البته نمونه هایی مشابه در خصوص چند فیلم دیگر در چند ماه قبل داشته است، حکایت از روند پرمخاطره ای دارد که می تواند سینمای ایران را به شکل جدی تهدید کند.

این تهدید، حدود یک دهه قبل هم، فضای فراگیری را به خود اختصاص داده بود که خوشبختانه با مساعی جمعی پلیس، ارشاد، و نهادهای قضایی، تا حد زیادی مهار شد و به عنوان یک موفقیت در ذهن اصحاب سینما به ثبت رسید. اما حالا بعد از ده پانزده سال، این موضوع دوباره دارد سایه سنگین خودش را بر پیکره نحیف سینمای ما می افکند و نیاز به عزم جدی متولیان برای کنترل و کشف و مهارش دارد.

نوشته مندرج در وسط کادر که دلالت بر خروج این نسخه از اداره نظارت وزارت ارشاد دارد، وظیفه مضاعفی را برای مدیران سازمان سینمایی و بخش های بازرسی و حراستی آن سازمان رقم می زند. چه کسی یا کسانی در آن سازمان به این نسخه دسترسی عملی داشته اند و چه انگیزه هایی در انتشار آن در میان بوده است؟ این روند نیازمند پیگیری مجدانه کمیته صیانت، پلیس فتا، مدیران سازمان سینمایی و فضاهای نظارتی و بازرسی آن نهاد است. در این خصوص می توان شایعات مختلفی را در سایت ها و محافل سینمایی رصد کرد که ناظر به انگیزه یابی های این موضوع است: آیا هدف صرفا سود اقتصادی است؟ آیا قرار

است فروش این فیلم به نفع فروش فیلم های دیگر لطمه بخورد و از مقام بالای فهرست پرفروش ها به موقعیت های پایین تر تنزل کند؟ آیا بعد از کارشکنی های مختلف (پریشان گویی های عصبی عوامل برنامه سینمایی سیما درباره فروشنده و فرهادی و موفقیت های جهانی اش، وقاحت پردازی های نشریه هتاک و فحاش در نسبت دادن روابط زشت آلود به فرهادی، دروغ پردازی های خاله زنکی نشریه بداخلاق دیگر در معرفی کردن قطر به عنوان تهیه کننده اصلی فیلم و ربط دادن گودرز و شقایقی عهدنامه ترکمنچای به آن، و ده ها جور لجن پراکنی و بهتان و دروغ دیگر)، این نیز در امتداد همان مسیر علیه اعتبار و موقعیت فرهادی و فیلمش انجام شده است؟ آیا ماجرا تکرار

از فیلم فرهادی است و قرار است نوعی کارشکنی در مسیر سیاستهای وزارت ارشاد و دولت یازدهم انجام گیرد تا از طرف اهل هنر و فرهنگ و سینما نسبت به اقتدار فرهنگی ارشاد در صیانت از امانت های فرهنگی هنرمندان سلب اعتماد رخ دهد؟ همه این پرسش ها و احتمالات، برانگیزاننده مهمی است برای مدیران مربوط تا جدا از دفاع از محصولات فرهنگی کشور، برای حفظ و ارتقای اعتبار و اقتدار سازمان، این روند را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری کنند. تا یک ماه دیگر، جشنواره فیلم فجر شروع می شود و بنا بر روال متداول، ده ها فیلم برای بازبینی به سازمان سینمایی گسیل می شوند تا برای انتخاب و داوری در جشنواره آماده سازی شوند. اعتمادزدایی از این فضا در چنین موقعیتی، اصلا به صلاح نیست. برخورد با متخلفان و معرفی شان و کشف انگیزه ها، می تواند در بهبود و ترمیم این ماجرا، نقش مهمی داشته باشد.

اما سویه دیگر این ماجرا، خود ما مردم هستیم. تجربه سریال شهرزاد، به عنوان اثری که بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به رغم کانال های غیرقانونی در توزیعش، اغلب تماشاگران از مجاری قانونی تهیه اش می کردند، نشان داد که این سطح از شعور و معرفت فرهنگی در میان بسیاری از مردمان وجود دارد که هم برای احترام به خود، از تماشای نسخه بی کیفیت و کچ نمای قاچاقی صرف نظر کنند و هم برای رعایت بایسته های قانونی/فرهنگی فضا را برای سودجویان بزهکار فرهنگی مهیا نسازند. تلاش ما تماشاگران در سالم سازی و سالم نگه داشتن مناسبات عرضه یک کالای فرهنگی، نوعی مشارکت مدنی در این فضا است. این روزها فروشنده همچنان در سالن هایی محدود نمایش داده می شود و تا چند وقت دیگر هم، نسخه نمایش خانگی اش، قاعداتا با ملحقات و افزوده های متداول قابل تهیه خواهد بود. مبلغ اندکی که بابت بلیت و یا خرید دی وی دی قانونی فیلم می پردازیم، اصلا چنان قابل توجه نیست که قرار باشد به خاطرش، وارد معرکه های کثیف و ناسالم قاچاق فیلم بشویم و مخاطب و ملعبه سودجویانی بزهکار قرار بگیریم. نام این موضوع را چه حلال خواری بگذاریم و چه فعالیت سالم مدنی و چه هر عبارت دیگری، از مقتضیات زیستن در یک جامعه انسانی است. تا رشوه دهنده ای نباشد، کسی هم از ما رشوه نخواهد گرفت؛ تا طالب فحشایی نباشد، روسیای ای هم وجود نخواهد داشت؛ و تا متقاضی فیلم بی کیفیت غیرقانونی نباشد، هر چقدر هم سهل انگاری در نظارت ها رخ دهد و بزهکاران اقدام به پخش غیرمجاز فیلم ها کنند، تیرشان به سنگ خواهد خورد. از خودمان شروع کنیم.